



جنگ ایران و عراق؛

بررسی تغییر در مواضع بی طرفی ایالات متحده

اسناد وزارت امور خارجه ایالات متحده

مترجم:

یعقوب نعمتی وروجنی*

	<p>با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، موازنه منطقه ای شکل جدید و غیرمنتظره ای به خود گرفت. این نظام جدید علی رغم ظهور در فضای دو قطبی جهانی، نه تنها هیچ گونه وابستگی به هیچ یک از ابرقدرت های آن زمان نداشت، بلکه با طرح شعار انقلابی نه شرقی، نه غربی^۱، ضمن اعلان استقلال کامل خود از هر دو بلوک سیاسی جهان و به چالش کشیدن ایدئولوژی های حاکم بر جهان، فضای سیاسی - ایدئولوژیک منطقه استراتژیک خاورمیانه و تا حدودی کل جهان را تحت تأثیر خود قرار داد. پرواضح است که ظهور، استقرار و تحکیم قدرت چنین حکومتی که منافع هر دو ابرقدرت را به خطر انداخته بود، نمی توانست رضایت قدرت های مسلط بر جهان را کسب کند.</p>			اشاره	
	<p>در چنین فضای بین المللی و با توجه به نوپا بودن جمهوری اسلامی و وجود اختلافات و تضادهای طبیعی (و گاه غیرعادی) موجود در این نظام نوپا، تهاجم گسترده عراق به ایران با چراغ سبز تلویحی ابرقدرت ها آغاز گردید. مطمئناً با توجه به قطب بندی جهانی، سیاست خارجی اعلانی و مهم تر از آن عملی ابرقدرت ها، می توانست تأثیر عمده ای بر جریان و نتیجه جنگ داشته باشد. در این میان، ایالات متحده با توجه به روند جاری جنگ و اشغال بخش هایی از خاک ایران از سوی ارتش بعثی عراق و در موضع برتر بودن عراق و توان تسلیحاتی قوی آن (به دلیل تجهیز شدن از سوی شوروی سابق) که همه اینها را در راستای منافع خود می دید، تصمیم گرفت که در ابتدای جنگ، اعلام بی طرفی کند. این موضع ایالات متحده، در آن موقع کاملاً به نفع عراق بود و با اعمال فشار بر ایران، می توانست تأمین کننده منافع ایالات متحده در ابعاد گوناگون باشد.</p>				
	<p>با وجود آنکه روابط پنهانی ایالات متحده با عراق و دیدارهای مخفیانه و آشکار مسئولان دو کشور همچنان ادامه داشت، اما به دلیل روند حاکم بر جنگ، این موضع بی طرفی ظاهری آمریکا تا هنگام تغییر وضعیت جبهه های جنگ و تغییر موازنه به نفع ایران، همچنان به قوت خود باقی بود. ←</p>				

<p>در پی تحولات داخلی در ایران و دیگر عواملی که منجر به انجام عملیات های آزادسازی و در نهایت فتح خرمشهر و بیرون راندن متجاوز از بخش اعظم خاک ایران و در پی آن، ورود نیروهای ایرانی به قلمرو عراق شد، زنگ خطر برای ایالات متحده در مورد قدرت گیری ایران و پیامدهای آتی آن چون صدور انقلاب و ... به صدا درآمد. از این به بعد ایالات متحده که ظاهر سازی در مورد بی طرفی را به نفع خود و متحدین منطقه ای اش تلقی نمی کرد، شروع به تکاپو برای تغییر علنی خط مشی خود راجع به جنگ ایران و عراق نمود و گزینه های مختلفی از حمایت مالی و دیپلماتیک از عراق گرفته تا حمله مستقیم علیه ایران را مورد ارزیابی قرار داد.</p> <p>سند حاضر از اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا است که حاصل کار یک گروه پژوهشی است و خطاب به مسئولان وقت وزارت خارجه ایالات متحده تنظیم شده است. برآورد گروه های کارشناسی وزارت خارجه از موضع بی طرفی و گزینه های مختلف تغییر این موضع به سود عراق را بررسی کرده است. در این سند با توجه به موضع برتر ایران، برقراری آتش بس و جلوگیری از سقوط احتمالی و قریب الوقوع رژیم بعثی عراق، به عنوان هدف آمریکا در نظر گرفته شده و در این راستا، دست یازیدن به هر نوع اقدامی چه سیاسی، دیپلماتیک و نظامی، بررسی شده است. این گزارش حتی در موقع لزوم، توسط ایالات متحده به نیروی نظامی علیه ایران را نیز تجویز کرده است (توصیه ای که بعدها شاهد عملی شدن آن نیز بودیم). محتوای این سند، ماهیت ریاکارانه سیاست ایالات متحده در قبال جنگ ایران و عراق و پشتیبانی علنی آمریکا از عراق در طول جنگ تحمیلی را به خوبی نشان می دهد.</p>	
---	--

خط مشی فعلی

سه سال پیش زمانی که جنگ شروع شد، روابط ضعیف ما با طرفین درگیری و نگرانی به دلیل منافع امنیتی مان در خلیج [فارس]، ما را به تقویت سیستم دفاع هوایی مان از طریق استقرار هواپیماهای آواکس در عربستان سعودی و جلوگیری از کاربرد پایگاه های هوایی شبه جزیره عربستان از سوی هواپیماهای عراقی جهت کاهش خطر گسترش جنگ، سوق داد. خط مشی بی طرفی ما از این واکنش پیشگیرانه، بسط یافته است. این خط مشی تاکنون به اهداف و منافع ما به خوبی یاری رسانده است. این خط مشی:

- از دخالت مستقیم قدرت های بزرگ مانع شده؛
- از گسترش جنگ به فراتر از قلمرو طرفین جنگ و به خطر افتادن ذخایر نفتی خلیج [فارس] جلوگیری کرده؛
- در ایجاد بن بست نظامی کنونی سهمیم بوده؛
- در عین به حداقل رساندن فرصت گسترش نفوذ

وزارت امور خارجه ایالات متحده

محرمانه / حساس

به: آقای ایگل بورگر

از: نیکولاس ای. یلیوتز

جاناناتان هاو

موضوع: جنگ ایران - عراق؛

بررسی تغییر احتمالی موضع بی طرفی محض ایالات متحده

شما، نظر ما را در رابطه با صحت خط مشی بی طرفی کنونی در قبال جنگ ایران و عراق و استلزامات تغییر این موضع به نفع عراق را خواستار شده بودید. این گزارش، تغییر خط مشی و راه هایی که این تغییر بتواند تأثیر عملی مورد نظر را در برداشته باشد، بررسی می کند.



به منظور مصالحه، بر ایران وارد آورد و شاید قدرت های بزرگ نیز دخالت نمایند. ما معتقدیم که تأخیر کنونی در ارسال این سیستم از جانب فرانسه، موقتی می باشد. در عین حال، نگرانی عمومی راجع به تصاعد جنگ و احتمال تأثیر آن بر دیگر تولیدکنندگان نفت، فروکش نموده است. با این وجود، [طارق] عزیز، وزیر خارجه عراق، با سرسختی ای که در ملاقات با وزیر خارجه ایالات متحده در هفته گذشته نشان داد، هیچ شکلی درباره ناراحتی عراق از این تأخیرها و تصمیم آن به غلبه بر آنها باقی نگذاشت. وزیر خارجه ایالات متحده پاسخ داد که دولت عراق واکنش مناسبی به تهدیدات نشان نمی دهد.

این تحولات می تواند به یکی از این دو پیامد، که به شدت می توانند برخلاف منافع ما باشند، منجر شود: الف) حملات عراق به تجهیزات نفتی ایران به منظور محروم کردن ایران از صادرات نفتی که می تواند ایران را وادار کند که برای جلوگیری از آن، علیه تمام صادرات نفت، به زور متوسل شود؛ ب) فشار مستمر ایران در سال آینده می تواند، باعث سقوط نظام سیاسی عراق گردد. در این چارچوب است که تغییر موضع احتمالی به نفع عراق، بایستی مورد توجه قرار گیرد.

اتحاد شوروی، امکان ایجاد روابط با ایران را حفظ نموده است.

هم اکنون دو تغییر در شرایط جنگ، این مسئله را مطرح کرده است که آیا این خط مشی هنوز هم به بهترین نحو به اهداف ما درباره ثبات در خلیج [فارس] و پایان مطلوب جنگ که طرفین را اساساً به وضع پیشین بازگرداند، یاری می رساند. این دو تغییر عبارتند از:

- در طی سه سال گذشته، روابط دو جانبه با عراق بهبود یافته، ولی روابط با ایران هنوز هم تقریباً برقرار نیست.
- استراتژی ایران برای سرنگونی نظام سیاسی عراق از طریق فرسودن آن که با فلج کردن مالی عراق توأم شده، به نظر می رسد به تدریج در حال تأثیر گذاری است.

پیش بینی می شود عراق به این نتیجه رسیده است که یا باید وضعیت استراتژیک را تغییر دهد و یا اینکه خطر موفقیت نهایی ایران را پذیرا شود. عراق تصمیم گرفته است که این کار را از طریق تأمین سیستم سوپراتاندارد آگزوسه از فرانسه انجام دهد که با آن ایران را به جلوگیری از صادرات نفت تهدید کند. بنابراین امید دارد که فشار اقتصادی غیرقابل تحملی را

تغییر موضع به نفع عراق

تغییر موضع به نفع عراق شامل چه مواردی می تواند باشد؟ سه حوزه از اقدامات احتمالی وجود دارد که می توانیم برای تقویت عراق، اتخاذ کنیم: مالی، دیپلماتیک و نظامی.

مالی:

هزینه های ارزی سالانه عراق، به نرخ های کنونی، ۱۲ میلیارد دلار برای امور نظامی و ۶ میلیارد دلار برای واردات تجاری، تخمین زده می شود. درآمدهای ارزی عراق از صادرات نفت، هر ساله به ۶ میلیارد دلار بالغ می شود. کمک های

دریافتی عراق از عربستان سعودی و دولت های خلیج [فارس]، از حدود ۱ میلیارد دلار در ماه در طی نیمه اول جنگ به کمتر از نصف آن رقم، کاهش یافته است. عراق این کسری را از طریق اتمام تقریبی ذخایرش، به تأخیر انداختن پرداخت ها و به دست آوردن اعتبارات تأمین

کننده اضافی، جبران کرده است ولی این تدابیر، موقتی هستند.

کمک های مالی فزاینده به عراق، امکان پذیر به نظر نمی رسد. به دنبال اولین ملاقات وزیر خارجه (امریکا) با طارق عزیز در زمستان گذشته، ما آنچه که از طریق نهادهای مالی بین المللی می توان انجام داد را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این راه های ممکن به قدری محدودند که نمی توان کمک چشمگیری به عراق ارائه داد. از این گذشته، هر نوع حمایتی که ما از عراق برای دسترسی مطمئن به این وجوه به عمل آوریم، به شدت از جانب تنگناهای قانونی و سیاسی، محدود شده اند. به نظر می رسد وساطت ایالات

متحده نزد کمک دهندگان عربی به عراق، از آنچه که عراق خود - به عنوان سدی در برابر خمینیسیم - می تواند انجام دهد، کم اثرتر باشد و نیز احتمال دارد از نزدیک تر شدن ما بالاخص به سعودی ها به عنوان نماینده دیگر دریافت کنندگان کمک، بکاهد.

پشتیبانی از عراق در مورد صادرات بیشتر نفت، امیدوارکننده تر است. تابستان آینده با تکمیل خط لوله انتقال نفت عراق از طریق ترکیه، توانایی این خط لوله، حدود ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت. ما به ترکیه گفته ایم که در مورد موضع مستحکمی که راجع به تضمین امنیت این خط لوله در برابر ایران اتخاذ کرده، از این کشور حمایت می کنیم. عراق، مقدمات حضور شرکت های آمریکایی را برای احداث خط لوله ای از عربستان سعودی به دریای سرخ را فراهم آورده است. با این حال، این خط لوله در بهترین حالت، قبل از پایان سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ تکمیل نمی شود. بنابراین، هیچ گونه کمک فوری ارائه نمی دهد. ایجاد یک فضای امن که در آن عراق بتواند در مدتی نسبتاً کوتاه (۶ ماه)، قسمتی از توان صادراتی خود (تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز) را از طریق تجهیزات صدمه دیده اش در خلیج [فارس] به دست آورد، سریع ترین کمک موثر را فراهم می کند؛ هرچند در ارتباط با این برنامه، مشکلات و بی اعتمادی هایی وجود دارد. ما در نیویورک زمینه طرح پیشنهادی را آماده کرده ایم تا از طریق آن سازمان ملل در پی راه حلی باشد که تجهیزات نفتی و کشتیرانی هر دو طرف درگیر را از حملات بیشتر مستثنی کند.

علاوه بر این، ما کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشویق کرده ایم تا سوریه را برای بازگشایی خط لوله ۱/۲ میلیون بشکه در روز عراق، در خاک خود، راضی کنند.

دیپلماتیک:

ملاقات وزیر خارجه ایالات متحده با طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق، میزان علنی بودن گفتگوی ما با عراق در طی سال گذشته را افزایش داد. شما در ملاقات اخیرتان با عصمت کتانی، معاون وزیر خارجه، به طور مستقیم به وی گفتید که شکست عراق از سوی

ایالات متحده**با تشویق کشورهای****عضو شورای همکاری****خلیج فارس، تلاش کرد****سوریه را برای گشودن لوله****انتقال نفت عراق راضی کند**

وارد آورده و یک فرصت تبلیغاتی به سوریه اعطا می‌کند.

ب) تلاش‌های بیشتر برای تضمین اینکه اقلام نظامی مورد کنترل ایالات متحده، قابل دسترسی نخواهد بود:

۱) برای هر دو طرف درگیر: ما شواهدی در مورد ادعاهایی مبنی بر چشم‌پوشی از نظارت‌های صادراتی ایالات متحده نداریم. اما همان‌طور که اخیراً در مورد کره انجام دادیم، ما دوباره می‌توانیم موضع خود را برای تأمین هر نوع تجهیزات مورد نظارت ایالات متحده، به دوستانمان تأکید کنیم. ما

معتقدیم، این امر

پیامدهای نظامی

محدودی خواهد

داشت، ولی جدی

بودن ما را برای دور

نگهداشتن

سلاح‌های

آمریکایی از این

منازه را به عراق

نشان خواهد داد.

۲) فقط برای ایران: این

رویکرد، توان

استدلال ما را

کاهش می‌دهد و

فرقی به حال عراق ندارد، چرا که عراق، سلاح‌های ایالات متحده را در فهرست خرید خود ندارد و دسترسی راحتی به تأمین‌کنندگان دیگر دارد.

نظامی:

اقدامات احتمالی دیگری وجود دارد که برای تأثیرگذاری بر موازنه نظامی، قابل اتخاذ هستند:

الف) تلاش برای ممانعت از عرضه تجهیزات حیاتی به ایران: در عین حال که مبادرت به این اقدام به دلیل ماهیت حساس بعضی از اطلاعاتی که ممکن است در یک تلاش مشخص افشا شود و از آنجایی که ما

ایران به سود منافع ایالات متحده نخواهد بود. تماس‌ها از طریق ترکیه در پی این بوده که عراق را درباره واقعی بودن علایق ما در مورد پایان مورد توافق جنگ و اقدامات ما برای عدم ارسال تسلیحات نظامی ایالات متحده به هر دو طرف، مطمئن سازد؛ این تلاش‌ها تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است.

ابراز نگرانی ما به فرانسه و دیگران درباره خطر فزاینده تشدید جنگ به خاطر ارسال هواپیماهای سوپراتاندارد، از سوی عراق به عنوان ممانعت از تجهیز شدن آنان، حداقل به طور موقت، قلمداد شده است. این اقدام نه چندان موفق، باعث شده که عراق دوباره ما را به کاهش روابط تهدید کند. (گزارش‌های مطبوعاتی تأیید نشده، حکایت از این دارد که فرانسه این هواپیماها را به عراق ارسال نموده است).

ابتکاری که ما در سازمان ملل برای جلوگیری از حملات بیشتر به تجهیزات نفتی واقع در خلیج [فارس] پیگیری می‌کنیم، فقط در پی این نیست که عراق را از طریق افزایش صادراتی نفت به تأمین نیازهای مالی اش قادر سازد - و از آن رو استراتژی ایران برای فلج کردن اقتصادی عراق را باطل نموده و انگیزه عراق برای گسترش جنگ را کاهش دهد - بلکه به دنبال ایجاد فضای موافقت تلویحی مابین طرفین است که در آن بتوان آتش بس نهایی را برقرار ساخت. این رویکرد، ظریف و شکننده، ولی امیدوارکننده است، به این شرط که مزایایی را برای ایران در برداشته باشد (همانند امکان تعمیر چاه‌های نشت کرده نفت و از سرگیری بازسازی مجتمع پتروشیمی واقع در بندر [امام] خمینی) و از طریق تهدید به تلافی شدید از سوی عراق در صورتی که ایران ابتدا به تجهیزات نفتی حمله کند، تقویت گردد. اقدامات دیگری که ما می‌توانیم در نظر داشته باشیم:

الف) اظهارات علنی تر راجع به حمایت از تمامیت ارضی عراق و بقای حکومت فعلی آن. این اقدام فقط می‌تواند اعتقاد نظام ایران مبنی بر اینکه عراق، آلت دست ایالات متحده است را تقویت کند و هیچ تأثیر مثبتی ندارد. این نوع اظهارات احتمالاً به اعتبار صدام در میان حامیان داخلی و خارجی اش خدشه



ج) ما تعهد نیروهای ایالات متحده به دفاع از عراق و از آن رو افزایش دورنمای مشارکت ایالات متحده در حفاظت از فعالیت های صادرات نفتی عراق را یک گزینه بالقوه جدی تلقی نمی کنیم. (اقدام یک جانبه ایالات متحده با چنان مخالفت سیاسی و خطر بزرگی روبه رو می شود که ما این گزینه را نیز غیرقابل امکان، در نظر می گیریم.) اگر ایران دوباره بخواهد تأسیسات نفتی عراق در خلیج فارس را مورد حمله قرار دهد، ایالات متحده - در ائتلاف با دوستان و متحدانش - می تواند به عراق برای دفاع از فعالیت های صادرات نفتی اش کمک نماید.

شیوه ای که ما از طریق آن چنین رویکردی را اتخاذ کنیم، در مورد تعیین اینکه آیا ما به جنگ با ایران وارد شویم، مهم خواهد بود. این کار به جای اینکه اقدامی برای حفاظت از صادرات نفتی عراق به نظر بیاید، باید در چارچوب بازنگهداشتن خلیج فارس برای انتقال بین المللی نفت، باشد. از سوی دیگر، قبل از اتخاذ هر نوع گزینه نظامی، ما ابتدا نیازمندیم که شماری از گام های دیپلماتیک و سیاسی را برداریم تا نشان دهیم که ما برای کمک به از سرگیری جریان نفت، قبل از چرخش به سوی گزینه های جدی تر نظامی، به هر نوع ابزار صلح آمیز ممکن توسل جسته ایم. اگر اظهارات و

برای مقابله با محرک های تجاری، فقط مشوق های اخلاقی داریم، در صورتی که این اقدام موفقیت آمیز هم باشد، تأثیرات میان مدتی بر توان تهاجمی ایران خواهد داشت. با این وجود، ما نمی توانیم بر تجهیزکننده اصلی ایران، یعنی کره شمالی، تأثیرگذار باشیم.

ب) اجازه دسترسی عراق به تجهیزات مورد کنترل ایالات متحده از طریق طرف ثالث: (مفروض این گزینه، نبود حمایت کافی داخلی برای ارائه مستقیم تجهیزات ایالات متحده به عراق می باشد.) منابع یا انواع جدیدی از تجهیزات نظامی ما، مورد نیاز عراق نیست. از این گذشته، انواع تجهیزاتی که ما بتوانیم به عراق عرضه کنیم، به وسیله الزامات قانونی، محدود شده اند، همانند ممنوعیت عرضه سلاح از طریق طرف ثالثی که ما نمی توانیم به طور مستقیم آن را تجهیز کنیم. علاوه بر این، پیش بینی می کنیم که برقراری هرگونه روابط فروش سلاح به عراق، با مقاومت شدیدی در کنگره مواجه شود. موضع جانبدارانه آشکار در مورد تأمین اسلحه، توانایی ما برای رهبری ابتکارات، همانند رویکرد کنونی سازمان ملل، در راستای تلاش برای محدود و متوقف کردن جنگ را کاهش می دهد.

- ابزارهای فعال، قابل تضمین نیست و از نظر نظامی و مالی، تداوم آن مشکل خواهد بود.
- کسب حمایت عمومی و کنگره برای پشتیبانی آشکار از عراق، مشکل می باشد.
- اسرائیل و سوریه با هر نوع اقدام نظامی ایالات متحده برای کمک به عراق، مخالفت خواهند کرد.

ارزیابی

پس از آنکه ایران در تابستان ۱۹۸۲ / ۱۳۶۱ وارد خاک عراق شد، سیاست بی طرفی کامل ما به جز در مورد فروش اسلحه، تصحیح شده و تغییر یافته است. اقداماتی که از آن پس نسبت به جنگ اتخاذ کرده ایم، به طور مستمر از عراق حمایت کرده است. (فرض ما بر این است که دیگر اقداماتی که در اینجا ذکر نشده اند، همانند ارائه اطلاعات تاکتیکی به عراق، به عنوان ضرورت، ادامه خواهند یافت.)

ما معتقدیم که تلاش فعالانه تر برای محدود کردن انتقال تجهیزات مورد کنترل ایالات متحده به هر دو طرف، مزایای ویژه ای را دربر خواهد داشت (این اقدام تأثیری ناچیز و یا هیچ گونه تأثیری بر قابلیت های نظامی عراق نخواهد داشت، ولی اعتبار ما را نزد رژیم عراق، تقویت خواهد کرد) و همچنین در راستای ممانعت از ارسال تجهیزات حیاتی به ایران از سوی منابع غیرکمونیسست، عمل خواهد نمود. دیگر گزینه های نظامی یا شبه نظامی، بیش از سود، زیان به دنبال خود می آورد. از این گذشته، لازم است که ما در مورد چرخش بیش از حد به سوی عراق هوشیار باشیم که عراق قادر نباشد ما را به سطحی از حمایت و اداری سازد که تمایل به ارائه آن نداشته باشیم (همچون محافظت نظامی از حمل و نقل در خلیج [فارس]) یا اینکه ما با رژیمی احساس نزدیکی کنیم که دورنمای سیاسی بلندمدت آن، غیرقابل اطمینان است. متعاقباً پیشنهاد می کنیم که شما با نشان دادن دستورالعمل های بیشتر به ما، نحوه نگرش به حکومت هایی که تجهیزات مورد کنترل ایالات متحده را به ایران و عراق انتقال داده و یا ممکن است چنین کنند را ارائه دهید.

اقدامات سازمان ملل و شورای همکاری خلیج فارس، در ائتلاف با ایالات متحده که حامی آزادی کشتیرانی در خلیج [فارس] باشد، می تواند به ایجاد فضای مساعد، کمک کند. آمادگی ایالات متحده به اتخاذ اقدامات شدید، کشورهای خلیج [فارس] را در مورد حمایت ما از امنیت آنان، مطمئن خواهد ساخت. یک چنین گامی، همچنین به شرط انعطاف بیشتر در مقابل سیاست های عراق، روابط ایالات متحده با عراق را بهبود می بخشد و عراق را به عنوان یک عامل موازنه در برابر قدرت سوریه، احیا می کند.

با این حال، در ارتباط با این اقدام، خطرات جدی ای وجود دارد که بسیاری از آنان به دامنه دخالت ایالات متحده بستگی دارند:

- پشتیبانی نظامی چندملیتی و ایالات متحده از عراق، می تواند باعث تصاعد بیشتر درگیری از سوی ایران شود و هر نوع بهبود در روابط ما با ایران در دوره پس از [امام] خمینی را با تأخیر مواجه کند. (ما در وضعیتی خواهیم بود که در صورت نیاز برای دفاع از تجهیزات عراق، شاید حملات مستقیمی علیه ایران انجام دهیم.) هر چه این چرخش به سوی عراق فعال تر باشد، پاسخ ایران نیز قابل پیش بینی تر خواهد بود.
- بدون در نظر گرفتن اینکه ما چگونه تلاش کنیم تا اقدامات خود را با هدف کلی بازنگه داشتن خلیج [فارس] برای انتقال نفت جلوه دهیم، در هر حال اقدامات ما به عنوان حمایت ویژه از عراق در جنگ با ایران، به نظر خواهد آمد.
- فرانسه به احتمال زیاد، به تجهیز عراق تمایل دارد، ولی اگر نه غیرممکن، اما دشوار خواهد بود که مشارکت متحدانمان و دولت های خلیج [فارس] را برای یک دفاع فعال، به دست آوریم. علاوه بر این، دفاع بلندمدت از کشتی های نفتی عراق، مستلزم آماده سازی مناطقی در شمال خلیج [فارس] و کمک و حمایت فعال عربستان سعودی و شیخ نشین ها خواهد بود.
- با توجه به دیگر تعهدات پر شمار نظامی ما در سطح جهان، دفاع از تجهیزات نفتی عراق، حتی از طریق

علاوه بر این، چرخش محدودی که طی یک سال گذشته در عمل به سوی عراق داشته ایم، به وسیله رویکردی که در سازمان ملل برای کمک به عراق برای از سرگیری صادرات نفتی اش در خلیج [فارس] دنبال می کنیم، تا حدی کم اعتبارتر شده است. این رویکرد، علاقه ما به مشاهده شکست نخوردن عراق با علاقه مان به اجتناب از تصاعد جنگ، که می تواند ایالات متحده را به طور مستقیم وارد منازعه کند را به حالت تعادل در می آورد و در عین حال، موضع ما در خصوص ایران را بدتر نمی کند.

فرا تراز اینها، مزایای زیادی را در تداوم ژست کلی بی طرفی، مشاهده می کنیم. آنچه ما در اینجا پیشنهاد می نماییم، در چارچوب این حدود گسترده قرار دارد. در هر حال، معتقدیم که این گونه چرخش بیشتر به سوی عراق، آثار سیاسی زیر را در منطقه برجای خواهد گذاشت:

- بهبود بیشتر روابط دو جانبه ما با عراق و تشویق موضع عدم تعهد آن.
- پشتیبانی از هدف ما درباره ممانعت از درهم شکستن عراق در مقابل ایران انقلابی، بدون رسیدن به جایی که برای اسرائیل زنگ خطر را به صدا درآورد.

این گزارش فقط مسأله چرخش به سوی عراق را بررسی می کند. یک گروه کاری درون نهادی دیگر نیز، هم اکنون گزینه های عکس العمل ایالات متحده در صورت تهدید ایران به بستن خلیج [فارس] و تدابیر کوتاه مدتی که ممکن است برای جلوگیری از این وقایع اتخاذ شود را بررسی می کند.